

وفات حضرت ام‌البینین (سلام الله علیها)

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۹/۰۶/۱۳ هجری قمری، مقارن با ۱۳۹۶/۰۲/۱۱ هجری شمسی

«سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

«أعوذُ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ الْأَعْظَمِ وَالتَّيَجَّةُ الْعَالَمِ

هادي السُّبُلِ وَمُنْجَى الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلَى

إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعَنُ الدَّائِرَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ».

ایام ارتحال ام‌البینین (سلام الله علیها) است که ان شاء الله به زودی با نابودی آل سعود زائر مرقد منورش در مدینه منوره بوده باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

ما در ارتباط با فاطمه کلاییه، فاطمه بنت حزام، همسر امیرالمومنین (علیه السلام) و مادر عباس بن علی (علیه السلام)، ۳ دسته اخبار و اطلاعات داریم.

دسته اول اخبار و اطلاعاتی است که از نظر تاریخی یقیناً مجعول و کاذب است و هیچ قابل تصدیق نیست. مثلاً از باب نمونه وقتی حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) به دنیا آمدند، این مادر این فرزند را برداشته باشد، بالای سر فرزندان فاطمه (سلام الله علیها) چرخانده باشد و مطالبی گفته باشد، از مجعولات تاریخ است. دسته دوم اخبار و اطلاعاتی است که مشکوک است، مجعول نیست، یعنی صحت و سقمش برای ما روشن نیست. از این دسته تاریخ وفات ام‌البینین (سلام الله علیها) است.

ما در ارتباط با این خانم تاریخ ولادت را که یقیناً نمی‌دانیم اما تاریخ وفات مشکوک است. ۱۳ جمادی‌الثانی بوده است، هجدهم بوده است یا تاریخ دیگری بوده است، چندان برای ما روشن نیست.

یا زمان دقیق ازدواج این بانو با امیرالمومنین (علیه السلام) چه زمانی بوده است، دقیقاً برای ما روشن نیست. دسته سوم اخباری است که از نظر تاریخی مسلم و قابل اعتنا است. از این دسته اخبار کیفیت ازدواج بانو با امیرالمومنین (علیه السلام) است؛ یعنی اینکه امیرالمومنین (علیه السلام) برادرشان عقیل را صدا کردند، طلبیدند و فرمودند من قصد ازدواج با همسری دارم که «وَلَدَتَهَا الْفَحْوَلَةُ مِنَ الْعَرَبِ»^۱، از شجاعان عرب باشد و عقیل به

امیرالمومنین (علیه السلام) خبر داده است که اگر چنین در نظر داری؛ «عَلَيْكَ بِالْفَاطِمَةِ الْكَلَابِيَّةِ»، بر تو باد ازدواج با فاطمه کلاییه که در میان عرب از پدران او شجاع‌تر یافت نمی‌شود. اسم قبیله هم بنی‌کلاب است، بنی‌کلاب معنا می‌شود شیربچگان، چون کلب دو یا سه اصطلاح در کلام عرب دارد؛ در این گونه موارد شیر معنا

می‌شود. بنی‌کلاب یعنی شیربچگان، اصلاً اسم قبیله هم این است و بعد هم امیرالمومنین (علیه السلام) اقدام کردند و باز این از مسلمات تاریخ است که فاطمه کلاییه نه قبل از علی بن ابیطالب و نه بعد از علی بن ابیطالب (علیه السلام) همسر دیگری نداشته است. عزیزان مستحضرند بعد از ارتحال امیرالمومنین (علیه السلام) یکی از همسران حضرت روایتی نقل کرد از خود علی بن ابیطالب (علیه السلام) که حضرت فرمودند همانگونه که ازدواج با همسران انبیاء بخصوص پیامبر خاتم، بعد از آنها جایز نیست، به نص آیه قرآن کریم، وصی پیغمبر هم حکم خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دارد، یعنی ازدواج با همسران او جایز نیست.

به احترام این نقل روایت هیچکدام از همسران امیرالمومنین (علیه السلام) بعد از حضرت ازدواج نکردند؛ چه ام ولد بودند، چه کنیز بودند بدون اینکه ولدی از حضرت داشته باشند؛ چه زن حره بودند و همسر امیرالمومنین (علیه السلام) بودند، هیچکدام بعد از امیرالمومنین (علیه السلام) ازدواج نکردند. از مطالبی که در تاریخ در مورد فاطمه کلاییه مسلم و مسجل است و از نظر تاریخی ردخور ندارد فانی بودن این زن در محبت فاطمه و فرزندان

فاطمه (سلام الله علیها) است؛ این قابل تردید نیست. اینکه وقتی در خانه امیرالمومنین (علیه السلام) آمده است، نه تنها نگاهش به بی‌بی دو عالم، فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) نگاه یک هووی در گذشته و از دنیا رفته نیست، نظیر آنچه که ما در بعضی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داریم که بلافاصله وقتی پا در خانه پیامبر گذاشتند، شروع کردند به خدیجه متوفی (سلام الله علیها) حسودی کردن، مدام خودشان را به رخ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌کشیدند و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم ناراحت می‌شدند. می‌فرمودند که اینطور نیست، خدیجه (سلام الله علیها) از شما بهتر بود و بهتر هست؛ نمی‌خواهم حالا از این زنان پیغمبر اسم ببریم ولی اصلاً فاطمه بنت حزام اینطور نیست؛ بسیار متفانی در ولای فاطمه (سلام الله علیها) است. به همین اعتبار که فاطمه کلایه فانی در محبت خانم فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) است، ما در این ۲۰ دقیقه وقت باقی مانده مان اجازه می‌گیریم از خود فاطمه کلایه که مطالبی را در ارتباط با فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) ذکر کنیم؛ به اعتبار اینکه ما در بین شهادت و ولادت حضرت قرار گرفته‌ایم.

شهادت را پشت سر گذاشتیم، ولادت را در آستانه‌اش هستیم. از خود ام‌البنین (سلام الله علیها) اجازه می‌گیریم چند کلمه‌ای را در ارتباط با خانم فاطمه الزهراء، سیده النساء (سلام الله علیها) عرضه بداریم، به روح هر دو بانوی بزرگ اسلام هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

بررسی‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد بعد از ارتحال رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اتفاقی که در ام‌القری جهان اسلام یعنی در مدینه افتاد، یک اتفاق تلخی بود که ما از آن به کودتای سقیفه تعبیر می‌کنیم.

بی‌شک جریان خلیفه فله نبود، هم خلیفه اول و هم خلیفه دوم تأکید داشتند که بگویند: «كَانَ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلَئِنَّ

وَعَقْلَهُ وَوَقَى اللَّهُ شَرَّهَا»^۳، این بیعت یک امر نسنجیده و نیخته و عجله‌ای و بدون حساب و کتاب بود، ولی خدا شرش را حفظ کرد. نه، اینطور نیست. امام صادق (علیه السلام) گزارش می‌کند که این جریان مدبر و تدبیر شده بود، از سال‌ها قبل در کنار خانه خدا نشستند، طومار امضا کردند، مسئولیت‌ها را پخش کردند. ابوعبیده جراح کجا باشد، ابوبکر کجا باشد، عمر کجا باشد، خیلی حساب شده و دقیق که اگر این حساب‌شدگی نمی‌بود، نمی‌شد در جریان غصب خلافت، ۷۰ روز بعد از غدیر که در روز غدیر ۱۲۰ هزار نفر، ۳ روز وسط بیابان معطل شدند، تک‌تک با علی بن ابیطالب (علیه السلام) رجلاً و نساءً بیعت کردند، به راحتی زیر پا گذاشته باشد که نبود؛ این از تحریف‌های تاریخی است. خواستند بگویند یک کار عجله‌ای بود، نسنجیده بود، به قول عرب‌ها فله بود، نه اینطور نبود، یک کودتای شمشیری، یک کودتای نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی. الان اگر ما بخواهیم موارد این کودتا و مصادیقش را بالای منبر عرض کنیم، الان ساعت ۸ است، تا ۱۲ ظهر مصداق هست، وقت کم می‌آوریم که چطور یک کودتای تمام عیار در مدینه اتفاق افتاد.

نمونه عرض می‌کنم، ما شنیدیم به دستان امیرالمومنین (علیه السلام) ریسمان بستند، کشیدند. تاریخ می‌گوید که علی بن ابیطالب (علیه السلام) فقط نبود، ده‌ها نفر را اینطور به مسجد برای بیعت بردند. تاریخ می‌گوید ده‌ها نفر در مدت تثبیت حکومت در مدینه زندانی بودند. یک کودتای تمام عیار، خشن، بی‌رحم (بود).

خب، در مقابله با این کودتا اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نهضتی را رقم زدند که ما از او به نهضت فاطمی تعبیر می‌کنیم؛ چون جلودار نهضت فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) است. هیچ گزینه دیگری روی میز نبوده است، یعنی رئیس بزرگ‌ترین قبیله، یعنی خزرج، یعنی سعد بن عباده در سقیفه بنی ساعده زیر دست و پا قرار گرفت. مدام می‌گفت که «قَتَلْتُمُونِي، قَتَلْتُمُونِي».

قبیله دوم می‌گفت: «أَقْتُلُوهُ، قَتَلَهُ اللَّهُ»؛ او را بکشید، خدا او را بکشد. این کسی بود که وقتی در مدینه راه می‌رفت، ۱۰ هزار نفر سواره‌نظام کنار او راه می‌رفتند؛ این زیر دست و پا است. زبیر پسر عمه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، خورد زمین، شمشیرش پرت شد، دستانش را بستند، کتکش زدند، شمشیر را هم خرد کردند. فقط باید جلوداری از طرف اهل بیت (علیهم السلام) می‌بود و تنها گزینه هم فاطمه (سلام الله علیها) بود. این کار انجام شد، یعنی فاطمه (سلام الله علیها) در برابر این کودتای خشن و دارای ابعاد، نهضتی را به نام نهضت فاطمی رقم زد. یک جزوه‌ای حقیر دارم، چند صد صفحه با همین عنوان، یعنی کودتای سقیفه و نهضت فاطمی، هنوز چاپ نشده است، حالا شاید بدهیم لبنان چاپ کنند.

خب، این نهضت فاطمه (سلام الله علیها) خیلی حساب‌شده بود، خیلی همه‌جانبه بود، ما معمولاً روی منبرها به مردم گفتیم، مردم هم شنیدند که مثلاً بی‌بی دو عالم پهلویشان شکست که درست است، سینه‌شان که درست است، بازویشان که درست است. هیچگاه نگفتیم فاطمه (سلام الله علیها) در طول ۹۵ روز به قول ما یا در طول ۶ ماه به

قول اهل سنت کاری کرد که خلیفه اول ۳ بار به گریه افتاد، اشک خلیفه را ۳ بار در آورد؛ این نهضت فاطمی است. ما کمتر به مردم گفتیم، عملکرد بی‌بی دو عالم کاری کرد که دو بار خلیفه اول به استعفاء کشید، حالا واقعی بود یا تئاتر بود حرف دیگری است، ولی روی منبر علناً گفت: «أَقِيلُونِي»، «أَقِيلُونِي لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ وَعَلَيَّ فَيْكُم».

بعدها امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه شقشقیه تعجب کرد که عجیب است این مرد، «فَيَا عَجَبًا!! بَيْنَاهُمْ وَسَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِأَخْرَجَ عَدُوَّ فَاتِيهِ ۴»، این در زنده بودنش می‌گفت که این بار را از روی دوش من بردارید، من استعفاء دادم و چرا برای دیگری، برای خلیفه دوم عهدنامه کردی که او خلیفه است. اگر خودت مستعفی هستی، چرا دیگری را آمدی و به جای خودت گذاشتی؟

این کشیدن خلیفه به مرحله استعفاء، اشک خلیفه را در آوردن، این عملکرد بی‌بی دو عالم است، برای آن سخنانی است که برای زنان مهاجر و انصار گفت، برای آن ۴۰ شب سوار بر استر شدن و در خانه وجوه مهاجرین و انصار رفتن است و آنها را دعوت به حق امیرالمومنین (علیه السلام) کردن است. برای آن با سلاح گریه کار کردن، در حدی که دشمن دریمانند که چه کند؛ بگوید که یا شب گریه کن یا روز گریه کن. نهضت فاطمی درس‌های فراوانی را به ما می‌دهد، در این فرصت کوتاه من دو، سه درسش را خدمت عزیزان عرضه کنم، باز هم به شرط صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

درس اولی که از نهضت فاطمی می‌گیریم، این است که در راه ولایت و دین جنسیت مطرح نیست، به وقت زن هم باید نقش خود را ایفا کند. خب فاطمه (سلام الله علیها) کسی است که آن قدر عقیف است که ناراحت است بعد از وفاتش در تشییع جنازه شاید حجم بدنش دیده بشود. مرده تکلیف ندارد، تازه وقتی هم که زنده است، فقها می‌گویند که حجم بدن حرمت ندارد. این خانم نگران حجم بدنش بعد از وفات است. کور وارد خانه شده است، جایش را عوض کرده است.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است که فاطمه‌جان کور بود، ابن ام مکتوم فرمودند که درست است اما بالاخره بعضی اوقات ما زن‌ها بویی داریم که نامحرم بشنود، مطلوب نیست. آن وقت این زن جلوی هزاران نفر بایستد، یک ناله بزند، همه را منقلب کند، سخنرانی کند، آن سخنرانی افشاگرانه که در آن سخنرانی بی‌بی دو عالم آن مطالب را اثبات کرد.

یک این که اثبات کرد غاصبان خلافت به قرآن اعتقاد ندارند، قرآن بلد نیستند، نخواندند، «يُرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۵».

دو، اثبات کرد که اینها به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعتقاد ندارند، متن خطبه فدکیه است. سوم گفت اینها به معاد اعتقاد ندارند.

چهارم، غصب خلافت هیچ انگیزه دینی نداشته است و فقط انگیزه دنیوی است.

پنجم، غاصبان خلافت کافرند. مصداق یابی کرد بی‌بی دو عالم. «أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبَتْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ ۶»، فرمود که اینها مصداق این آیه هستند.

سلام کردند وقتی به عیادت بی‌بی آمدند، جواب نداد، جواب سلام مسلمان واجب است.

اثبات کرد که مسلمانان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دچار نفاق شدند، «ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ»، اثبات کرد که غاصبان خلافت ظالم هستند.

اثبات کرد که به اسم دوری از فتنه، گردانندگان فتنه هستند، «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۷».

آینده‌نگری کرد، فرمود آینده جامعه اسلامی شمشیری بران، حمله تجاوزگرانه، آشوب فراگیر، «حَرَجِ الشَّامِلِ»، انحصارطلبی حاکمان، عطای قلیل و تبعیض در تقسیم بیت‌المال (است).

اثبات کرد که غاصبان خلافت دروغ می‌گویند، اثبات کرد اینها در صدد بازگشت به مسائل جاهلی هستند، ارزش‌های جاهلی برای آنها ملاک است. به امیرالمومنین (علیه السلام) گفتند که تو جوانی، کأنَّ حاکم حتماً باید پیرمرد باشد. به امیرالمومنین (علیه السلام) گفتند تو مزاحی، کأنَّ حاکم باید خم سرکه باشد.

زن باید نقش خودش را ایفا کند، بحث سبک زندگی است دیگر. اینطور نیست که جنسیت در این زمینه نقش داشته باشد.

درس دیگر که از نهضت فاطمی می‌گیریم، زن آنگاه که مورد ستم قرار می‌گیرد می‌تواند در برابر همه حتی مرد نامحرم صدایش را بلند کند، «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»^۸، اصلاً داد و فریاد کردن و بدی‌ها را گفتن خوب نیست، «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»، اصولیین می‌گویند «مَنْ» اطلاق دارد، موصول است. هر کس مورد ستم واقع شد، فریاد کند، چه اینکه فاطمه (سلام الله علیها) فریاد کرد. فریاد زد که جان امیرالمومنین (علیه السلام) را ۳ بار نجات داد. در جریان نهضت فاطمی دشمن ۳ بار به سمت حذف فیزیکی و ترور علی بن ابیطالب (علیه السلام) آمد. یک بار در خانه به آتش زدن، یک بار در مسجد، با شمشیر خلیفه دوم، یک بار با توطئه قتل امیرالمومنین (علیه السلام) در نماز جماعت توسط خالد، هر ۳ مورد را حضرت خنتی کرده است، فریاد زده است. پس یک، جنسیت مطرح نیست.

دو، زن می‌تواند فریاد بزند. ما در تظاهراتی که داشتیم و داریم که زن‌ها فریاد می‌زنند، مصداق این آیه است: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ».

سوم، در راه دفاع از ولایت انسان باید از آرامش بگذرد، از مال بگذرد، از آبرو بگذرد، از فرزند بگذرد، از سلامتی جسمی بگذرد، روایت این است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»، اسلام ۵ پایه دارد، یکی اش ولایت است، «وَلَوْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۹، هیچ کدام از پایه‌های اسلام در حد ولایت نیست؛ از نماز برتر است، از روزه برتر است، از خمس برتر است. در راه ولایت بی‌بی از همه چیز گذشت، آرامش رفت، خانه محل تجمع انقلابیون شد، خانه دیگر خانه امن نبود. از مالش گذشت، فدک رفت؛ از آبرویش گذشت، ۴۰ شب پیش در خانه مهاجر و انصار آبرو گذاشت. از فرزندش گذشت، محسنش را سقط کردند اما بحث، بحث دفاع از ولایت است. یکی از انحرافات که گاهی در عزاداری‌های ما پیش می‌آید من دیدم، مداحان، شاعران، مرثیه‌سرایان مدام تأکید دارند بی‌بی دو عالم از بعش، شوهرش دفاع کرد. یک جا در تاریخ نداریم که خانم فرموده باشند من از شوهرم دفاع می‌کنم، من ندیدم؛ اگر عزیزان، فرهیختگان دیدند به من نشان بدهند. همه‌اش بحث دفاع از برادر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، «قَدَفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا»، متن خطبه فدکیه است، همه‌اش صحبت از وصی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. یعنی فاطمه (سلام الله علیها) دارد از امامش دفاع می‌کند، خوب حالا این امام شوهر او هم هست، بله که هست ولی صحبت، صحبت دفاع از امامت است. در خطبه فدکیه فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَأَةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ»^{۱۰}، خدای متعال رهبری ما را مایه نظام ملت قرار داده است. من ۲۰ مورد نوشتم، یکی، دو مورد دیگرش را باید عرض کنم.

از نهضت فاطمی درس می‌گیریم که در فتنه باید بصیر بود و به هنگام باید عمل کرد؛ خیلی‌ها بعداً برگشتند به امیرالمومنین (علیه السلام) گفتند که ما اشتباه کردیم، غلط کردیم، متها دیر بود، دیر هنگام بود. به تعبیر مقام معظم رهبری (حفظه الله) خیلی‌ها بعد از کربلا آمدند و تواب شدند، سلیمان بن صرد خزایی و دیگران، ولی اثر یاران اباعبدالله را نکردند و نداشتند چون به هنگام عمل نکردند، به هنگام باید عمل کرد، باید بصیر بود. بی‌بی دو عالم در فتنه بصیر بود. من وقت نیست عبارات را بخوانم، «أَمَّا الْعَمْرِي لَقَدْ لَفِحَتْ فَنَظْرُهُ رِيَّ مَاتَتْجُ، ثُمَّ أَحْتَلَبُوا مِلَّةَ الْقَعْبِ دَمًا عَبِيطًا وَدُعَا فَا مُبِيدًا»^{۱۱}، فرمود که این اولش است، بگذارید این گاو خلافت بزاید، بعد ببینید که بچه‌اش چه در می‌آید، حجاج از آن در می‌آید، یزید از آن در می‌آید. من از یکی از برادران اهل سنت در مدینه پرسیدم، گفتم که امام حسین (علیه السلام) در سال ۶۱ شهید شد؟ گفت بله، گفتم که این نیم قرن از اسلام گذشته است؟

گفت بله، گفتم پیغمبری که وضو می‌گرفت، یک قطره آب وضویش زمین نمی‌ریخت؛ سلمانی موی او را می‌تراشید، یک موی او روی زمین نمی‌ریخت، مردم برای تبرک می‌بردند. ۵۰ سال بعد بچه‌اش را زیر دست و پای اسب‌ها گذاشتند بعد از این که ۳۰۰ زخم بر او وارد شده است، این انحراف از کجا شروع شد؟

«وقوسه علی ید الخلیفه»

«سهراتی من جانب السقیفه»

به تعبیر ابوبکر، غروی شاعر بزرگ شیعی فرمود که این تیر از سقیفه شلیک شد، به گلوی علی اصغر (علیه السلام)

خورد؛ در فتنه باید بصیر بود و به هنگام عمل کرد. وقت من تمام، از بی‌بی دو عالم خواندیم، ذکر توسلی به دامان ام‌البنین (سلام الله علیها) داشته باشیم و بعد هم التماس دعا.

کسی که چهار پسر داشت نور چشم ترش
 به وقت دادن جان یک نفر نمانده برش
 دلش گرفته چرا یک نفر کنارش نیست
 بدون ماه، چه شب‌ها که صبح شد سحرش
 عجب حکایت سختی است مرگ این مادر
 هنوز مانده به ره، دیدگان پر گهرش
 تمام دل خوشی‌اش چهار صورت قبر است
 چهار صورت زیبا همیشه در نظرش

نوشتند بقیع می‌آمد، چهار صورت قبر درست می‌کرد، به یاد عباس، عون، جعفر و عثمان (علیهم السلام).

اگر چه هم‌ره زینب (سلام الله علیها) نبود ام بنین ولی شنید و شکست از غم حسین (علیه السلام) کمرش بشیر گفت ام‌البنین فرزندان را کشتند، پرسید همه‌شان را کشتند؟

گفت که همه‌شان را کشتند. گفت که از فرزندانم نگو، بگو با حسین فاطمه (سلام الله علیها) چه کردند؟

اگر چه هم‌ره زینب (سلام الله علیها) نبود ام بنین ولی شنید و شکست از غم حسین (علیه السلام) کمرش

نبود تا که ببیند چگونه حرم‌ها
 زدند تیر، به چشم حسینی قمرش

نبود تا که ببیند چگونه ریخت زمین
 به خاک علقمه‌ای وای پاره جگرش

نبود تا که ببیند بدون عباسش
 چه آمده به سر خواهران خون‌جگرش

نبود شکر خدا و نه شام را می‌دید
 نبود صحنه بزم شراب در نظرش

اگر چه صورت او را کسی کبود ندید
 به وقت دادن جان یک نفر نمانده برش

همه گفتند یزید زن، زن، زن، یهودی گفت زن، مسیحی گفت زن، خانم زینب (سلام الله علیها) هیچ نگفت، دارد سر بریده را در طشت نگاه می‌کند. راوی می‌گوید که دیدم دست برد، گریبان چاک کرد.

همه گفتند که یزید با لبش چوب مزین
 آنکه جامه بدرید و لب خود دوخت منم

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ».

«لَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحِكَتَ»
 «وَأَلْ أَحْمَدَ مَظْلُومُونَ قَدْ قُهِرُوا»

«يَا سَمِيكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزَّ الْجَلَّ الْأَكْرَمِ، إِلَهِي بِفَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلَهَا وَبَنِيهَا يَا اللَّهُ».

فرج منتقم خونس تعجیل بفرما.

قلبش از ما راضی و خشنود بدار.

نائب بر حقش مویذ و منصور بدار.

مریضان و منظورین شفای عاجل عنایت بفرما.

گذشتگان، گذشتگان این جمع، شهدا، رهبر راحل، سر سفره کرم فاطمی میهمان بفرما.

به زودی چشمان ما منور به قبور ساخته شده بقیع، با نابودی آل سعود بفرما.

آنچه خواستیم و نخواستیم، صلاح ما در آن است در خور کرمت برای ما مقدر بفرما.

«وَعَجَّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ».

فهرست منابع

۱. الأُمالی للصدوق: ۱۷۵ / ۱۷۸.
۲. عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، ابن عنبه، جلد ۱، صفحه ۳۵۷.
۳. صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۶؛ ج ۱۱، ص ۱۳؛ عمر بن الخطاب، ص ۳۵۸؛ لسان‌العرب المحیط، ج ۲، ص ۶۷.
۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۳.
۵. سوره مریم، آیه ۶.
۶. سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.
۷. سوره توبه، آیه ۴۹.
۸. سوره نساء، آیه ۱۴۸.
۹. الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۸.
۱۰. احتجاج طبرسی، ۱: ۱۰۸-۱۰۹، چاپ مشهد، ۱۴۰۳ هـ. کشف الغمّه از بلی، ص ۱۴۷؛ اعلام النساء عمر رضا کحّاله، ۴: ۱۲۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، به نقل از سقیفه جوهری، ۱۶: ۲۳۳ - ۲۳۴، چاپ ایران.